

اخبار

به نمایندگی از سوی دکتر پزشکیان

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور شرکت در مراسم تشییع پاپ عازم رم شد



دکتر سید عباس صالحی؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به نمایندگی از دکتر مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، برای شرکت در مراسم تشییع پاپ فرانسیس عازم رم شد.

به گزارش ایرنا، سیدعباس صالحی؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به نمایندگی از سوی رئیس‌جمهور برای شرکت در مراسم تشییع پاپ فرانسیس به رم سفر کرد.

دکتر پزشکیان در پیامی به مناسبت درگذشت پاپ فرانسیس، با تسلیت و ابراز همدردی با جامعه جهانی مسیحیت و پیروان کلیسای کاتولیک، از تلاش‌های ماندگار او در مسیر ترویج صلح، عدالت، گفت‌وگو و همزیستی ادیان یاد کرد.

رئیس‌جمهور همچنین با تجلیل از مواضع انسان‌دوستانه پاپ، په‌ویژه محکومیت صریح جنایات رژیم صهیونیستی در غزه، تأکید کرد که یاد و نام او در دل وجدان‌های بیدار و آزادی‌خواهان جهان ماندگار خواهد بود.

پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، که در سال‌های اخیر نقش برجسته‌ای در ترویج گفت‌وگوِ ادیان ایفا کرده بود، روز دوشنبه یکم اردیبهشت ماه در سن ۸۸ سالگی در واتیکان درگذشت.

اولین خبر رسمی از فیلم جدید اصغر فرهادی



«داستان‌های موازی» (Parallel Tales) دهمین فیلم اصغر فرهادی با حضور ستارگانی از سینمای فرانسه مقابل دوربین می‌رود. به گزارش ایسنا، ستاره‌های نامداری شامل ایرابل هوپر، ونسان کسل، ویرجینی افرار، پییر نینی و آدام پُسا با حضور کاترین دونو بازیگران «داستان‌های موازی» خواهند بود.

فیلم پر ستاره «داستان‌های موازی» محصول مشترک فرانسه، آمریکا، ایتالیا و بلژیک؛ سپتامبر امسال در پاریس کلید خواهد خورد. ساخت این فیلم از سوی کمپانی آمریکایی انانیموس کانتنت (Anonymous Content) به فرهادی پیشنهاد شده و کمپانی فرانسوی ممنتو (Memento Production) به همراه اصغر فرهادی دیگر تهیه‌کنندگان «داستان‌های موازی» خواهند بود.

بودجه فیلم ۱۲ میلیون یورو و پایان فیلمبرداری اواخر ماه نوامبر پیش‌بینی شده است.

کمپانی فرانسوی ممنتو تهیه‌کننده چند فیلم آخر اصغر فرهادی (گذشته، فروشنده، همه می‌دانند و قهرمان) بوده و کمپانی آمریکایی انانیموس کانتنت با تهیه فیلم‌ها و سریال‌هایی چون:

فصل چهارم سریال «کارآگاه حقیقی»، سریال «سلب مسئولیت»، ساخته آلفونسو گوران»، سریال«آقای روبات» و فیلم‌های سینمایی «بارگشته»(ساخته‌الخاندرو گونسالس ایناریتو)، «فرمانگزار»(ساخته‌الکساندر لوکاسس ایناریتو)، «درخشش ابدی یک هنر فاک» و «پسران نیکل» شناخته شده است.

دوشنبه یکم اردیبهشت در شرایطی که شاهزاده خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی کمتر از یک هفته قبل، روز پنج‌شنبه(۲۸ فروردین) به ایران سفر کرد و با آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب، مسعود پزشکیان رییس‌جمهور و... در حوزه توسعه روابط دو کشور گفتگو داشت ، شبکه نسیم در یکی از برنامه هایش با نام «درنگ» به مجری‌گری محسن افشانی طی اقدامی جنجالی وزیر امور خارجه این کشور را مورد تمسخر قرار داد.

به گزارش خبرآنلاین، در این آیتَم از برنامه پخش شده که توسط هوش مصنوعی ساخته شده گفتگویی فرضی بین این وزیر و مجری برنامه صورت می‌گیرد و سیاست‌های کشور عربستان در آستانه بهبود روابط با ایران به تمسخر گرفته می‌شود.

پس ازاین اتفاق روابط عمومی شبکه نسیم طی اطلاعیه‌ای واکنش نشان داد که متن اطلاعیه به این شکل بود:«به اطلاع مردم شریف ایران می‌رساند، در یکی از برنامه‌های ضبطی پخش شده در شبکه نسیم در قالب طنز سیاسی برخی خطوط سیاستی در باره کشورهای همسایه مورد بی‌توجهی سهوی قرار گرفته بود که ضمن تذکر جدی به تیم تولید و تأکید بر لزوم توجه مستمر و جدی به سیاست‌های ابلاغی محتوایی با عوامل خاطی برخورد انضباطی به عمل آمد. شبکه نسیم تأکید می‌کند همواره خود را متعهد به ضوابط حرفه‌ای و محتوایی ابلاغی رسانه ملی بویژه در ارتباط با راهبردهای مرتبط با روابط با کشورهای همسایه می‌داند و به آن پایبند بوده و خواهد بود.» اگرچه روابط عمومی شبکه نسیم ضمن عذرخواهی از بی‌توجهی سهوی» وعده برخورد با عوامل تولید را داد اما آیا چنین رفتارهایی صرفاً اشتباهی فردی‌ست یا نشانه‌ای از یک سیاست رسانه‌ای هدفمند و چندلایه؟ لذا این موضوع جای تحلیل دقیق‌تر دارد تا دلایل و عوامل این اتفاق مهم را بررسی کرد.

پس از پخش این قسمت از برنامه «درنگ» حواشی زیادی ایجاد شد که چطور در فرایند بهبود روابط سیاسی، رسانه ملی اقدامی انجام می‌دهد که با رویکرد سیاسی دولت در تضاد است.

در همین رابطه برای تحلیل بیشتر با کیوان کنیریان، منتقد و کارشناس حوزه سینما و تلویزیون گفتگویی انجام داده‌ایم که در ادامه آن را می‌خوانید.

د - در شرایطی که کشور در آستانه تحولات مهم دیپلماتیک و مذاکرات بین‌المللی قرار دارد، رسانه‌ای مانند تلوزیون که عنوان رسانه ملی را یدک می‌کشد،

تا چه اندازه مجاز است وارد حوزه طنز یا نقد به شیوه‌ای طعنانی از روابط خارجی و سیاست‌مداران بین‌المللی شود؟ آیا این رفتار با عنوان آزادی رسانه قابل دفاع است یا ممکن است در تضاد با منافع ملی تلقی شود؟

شاید منظور شما یک برنامه خاص باشد، اما پیشنهاد من این است که موضوع رو فراتر از آن بررسی کنیم. واقعیت این است که تلویزیون فعلی، یعنی صداوسیما، به‌وضوح به طیف سیاسی خاصی وابسته است؛ آن هم نه فقط اصولگرایان، بلکه جناح تندرو و محافظه‌کار این جریان. مدیرانش هم همگی کارنامه‌هایی دارند که وابستگی سیاسی‌شان را نشان می‌دهد.

تلویزیون طی این سال‌ها سعی کرده است انحصار

رسانه‌ای داشته باشد، رقابتی مستقل را حذف کند و خودش را تنها مرجع رسانه‌ای رسمی و قابل استناد به مردم معرفی کند. نتیجه‌اش چه شد؟ مجموعه‌ای پر از تحریف، قلب واقعیت، نادیده‌گرفتن اتفاقات مهم، استفاده از تحلیل‌گرها و کارشناس‌های متعلق به طیف حاکم و کاملاً همسو با تندروها، و سانسور شدید مطالبات اجتماعی مردم.

پس با توجه ساده مردم گرفته تا سانسور برخی اعتراضات اجتماعی و اقتصادی ، سقوط هواییمای

اوکرائنی، تجمعات مختلف بازنشتستان، کارگران،

معلمان و نهایتاً اعتراضات (۱۴۰۰) در همه این موارد

تلویزیون نه‌تنها بازتاب‌دهنده دقیق واقعیت نبود،

بلکه عامدانه تصویری متفاوت و گمراه‌کننده ارائه

داد.

حالا نکته جالب اینجاست که در روزهای اخیر، ما با یک نوع دوگانگی مواجه‌ایم. دو حالت ممکن

است؛ یا تلویزیون از خط رسمی سیاست خارجی کشور منحرف شده یا این نمایش‌های اخیر، بخشی

از یک بازی پیچیده حاکمیتی‌ست برای اعلام

نارضایتی از مسیر دیپلماسی فعلی، مثلاً در همان

برنامه‌ای که اشاره کردید، استفاده از هوش مصنوعی

برای مسخره کردن وزیر خارجه عربستان آن هم در

مقطع مهمی که رهبران ایران تلاش برای ترمیم روابط

با این کشور دارند، نه‌تنها بی‌سابقه بلکه از اساس

پر مسئله‌است.

همچنین در برنامه‌ای دیگر، این پرسش مجری از

سفیر یمن که «آیا از سفر مقامات سعودی به ایران

ناراحت شدید؟» کاملاً جهت‌دار و به‌نوعی تلاش

برای دامن‌زدن به تفرقه میان متحدان کم‌تعداد ایران

بود. به نظر می‌رسد رسانه‌ای که باید بازوی وحدت

ملی باشد، گاهی به ابزاری برای تسویه‌حساب‌های

سیاسی داخلی بدل می‌شود.

مذاکرات و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک جدیدی که

به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد صدا و سیما در

این زمینه همچنان حمایت قوی از این روند نداشته

باشد. به نظر شما، چرا رسانه ملی در حمایت از

مذاکرات چنین رفتارهایی نشون می‌دهد؟

تکرار می‌کنم که صدا و سیمای جمهوری اسلامی

کاملاً حاکمیتی است و به‌طور واضح به طیف خاصی

وابسته است، به‌خصوص به جناح تندرو. این رویکرد

در طول سال‌ها مشخص بوده و هم‌چنان ادامه

دارد. صدا و سیما تلاش کرده که انحصار خودش

را در اختیار داشته باشد . اما واقعیت این است

که در بسیاری از موارد، این رسانه به نوعی کاری

کرده که تضمینات کلان حاکمیت به شکل روشن و

مشخصی در برنامه‌ها بازتاب پیدا کند.

همواره صدا و سیما نقش تحریف‌گر یا پنهان‌ساز

داشته است. حتی در برنامه‌های اخیر که به مذاکرات

پرداخته مشخص است که رسانه ملی سعی می‌کند

تا از حمایت صریح از دولت پرهیز کند و عملاً به

نوعی با جهت‌گیری منفی عمل کند. نمونه‌ای که

الان همه به‌آن اشاره می‌کنند، برنامه‌ای بود که

با استفاده از هوش مصنوعی وزیر امور خارجه

عربستان را عملاً مسخره کرده و این چیزی است

که می‌تواند با روند مذاکرات جاری در تضاد باشد

- به نظر شما، این رفتار صدا و سیما به عنوان

رسانه ملی چطور می‌تواند در تضاد با منافع ملی و

روابط بین‌الملل قرار بگیرد؟

رسانه باید در خدمت کشف و ابراز حقیقت

باشد، اما در تلویزیون ما، حقیقت به وضوح کم

شده است. این وضعیت باعث شده که مردم

اعتمادشان به صدا و سیما را از دست بدهند.

مرجعیت رسانه ای که قبلاً به تلویزیون اختصاص

داشت، حالا به رسانه‌های مجازی و خارجی

منتقل شده است. رسانه‌های فارسی زبان خارج

و تحلیلگران خارج از کشور تاحدودی مرجعیت را

از آن خود کرده‌اند و این باعث شده که مردم تا

حد زیادی به رسانه‌های داخلی اعتماد نکنند. حتی

وقتی به شبکه‌های مجازی نگاه می‌کنید، شایعات

و تحریف‌های خبری به وفور دیده می‌شود. همه

این‌ها نتیجه‌ی بی‌اعتمادی مردم نسبت به منابع

رسمی هستند.

- آیا این تغییر در مرجعیت رسانه‌ای به معنای

ضعف رسانه‌های رسمی نیست؟

کاملاً همین‌طور است. وقتی رسانه‌ها خودشان را

از حقیقت دور می‌کنند، طبیعتاً شایعات و دروغ‌ها

بیشتر قوت می‌گیرند. اگر شما حقیقت را نگویید یا

پنهان کنید، این فضا باعث می‌شود که رسانه‌های

غیررسمی با سرعت هر چه بیشتر گسترش پیدا

کنند و جای رسانه‌های رسمی را بگیرند. به همین

دلیل،می‌بینید که خیلی از اخبار و اطلاعات که به

راحتی در رسانه‌های داخلی سانسور می‌شوند.از

طریق رسانه‌های خارجی یا حتی کاربران شبکه‌های

اجتماعی منتشر می‌شوند. برای نمونه، وقتی که

یک اتفاق مثل سقوط هواپیمای را پنهان می‌کنید،

گام‌هایی محتاطانه برای ترمیم روابط دیپلماتیک برمی‌دارند و دیدارهای رسمی میان مقامات ارشد دو کشور

دورانی تازه از گفت‌وگو و تعامل و توافق آیتمی در برنامه «درنگ» شبکه نسیم با موضوع تمسخر وزیر امور خارجه عربستان، موجی از واکنش‌ها و تردیدها را در فضای عمومی و رسانه‌ای کشور برانگیخت.

قصد دارند باز هم جلوی توافقات احتمالی را بگیرند چون منافعشان در تحریم است

خطایی که عمداً، سهوی شد!

در حالی که تهران و ریاض پس از سال‌ها تنش، گام‌هایی محتاطانه برای ترمیم روابط دیپلماتیک برمی‌دارند و دیدارهای رسمی میان مقامات ارشد دو کشور

دورانی تازه از گفت‌وگو و تعامل و توافق آیتمی در برنامه «درنگ» شبکه نسیم با موضوع تمسخر وزیر امور خارجه عربستان، موجی از واکنش‌ها و تردیدها را در فضای عمومی و رسانه‌ای کشور برانگیخت.



رسانه‌های دنیا بیکار نمی‌نشینند و بلافاصله

مستندات و شواهد را منتشر می‌کنندو خبر جگانه‌گر

می‌شود.

وقتی رسانه سانسور می‌کند، در واقع خودش

مرجعیت و قدرت تأییدگذاری‌اش را از دست می‌دهد.

رسانه وقتی که نتواند اخبار را به‌طور شفاف و درست

منتشر کند، اعتماد مردم نسبت به او کاهش پیدا

می‌کند. مردم از رسانه‌ها توقع شفافیت و راستگویی

داشته باشند. وقتی این توقعات محقق نمی‌شود،

مرجعیت رسانه از بین می‌رود.

تلویزیون ما سال‌هاست که مرجعیتش را از

دست داده است. مثلاً وقتی یک تجمع پنج

میلیونی برگزار می‌شود، صدا و سیما می‌گوید سه

هزار نفر بودند. دقیقاً همین مسئله باعث می‌شود

مردم دیگر به رسانه‌های رسمی توجه نکنند.

حالا ممکن است دربارهی آن برنامه طنز بگویید که

این کار را همه جای دنیا می‌کنند، مثلاً یک برنامه

تلویزیونی در آمریکا با ترامپ شوخی می‌کند،

ولی این چیزی نیست که در ایران بتواند کامل

اتفاق بیفتد. اینجا وقتی شما می‌خواهید مدیر

درجه شما را نقد کنید، یا شوخی کنید، حتماً

باید مرزهای زیادی را رعایت کنید وگرنه منتظر

برخوردهای شدید باشید.

- خب این موضوع شوخی در خیلی از کشورهای

جهانی انجام می‌شود. مثلاً جیمیی فلن که در برنامه

اش هفته‌هاست که ترامپ شوخی می‌کند. این منع

آزادی رسانه ما است یا مسئله به طور کلی فرق

دارد؟

اینکه شما به راحتی نتوانید کسی را نقد کنید، یا

کسی شوخی کنید، در واقع آزادی بیان را از بین

می‌برد. در کشورهای دیگر، حتی با شخصیت‌های

تاریخی مهم یا مهمترین مسئولان مستقر در قدرت

هم می‌شود شوخی کرد یا آنها را نقد کرد. ولی اینجا

این مفاهیم خیلی در هم می‌رود. اصلاً شوخی با

مسئولان تبعات دارد. حتی مسئولان رده پایین، چه

برسد با بالاترها. اینجا وقتی کسی می‌خواهد شوخی

کند، ممکن است به توهین کردن متهم شود. البته

مرز شوخی و توهین مشخص است. طبعاً اگر کسی

توهین کند، باید پاسخگو باشد، ولی شوخی با هر

کسی به عنوان آزادی بیان پذیرفته شده است.

در ایران اما اینطور نیست. شما به راحتی

نمی‌توانید با هیچ‌کس شوخی کنید، به‌خصوص اگر

شخصیت‌های سیاسی یا اجتماعی باشند. به همین

دلیل، شما دیدید که رسانه‌های خارجی این فضا

را برای خودشان ایجاد کردند. آن‌ها برای خودشان

آزاد هستند که شوخی کنند، نقد کنند و با آزادی

بیان عمل کنند. ولی ما اینجا با انواع محدودیت‌ها

درگیریم.

اینکه ما نتوانیم با کسی شوخی کنیم و از طرف

دیگر از سوی رسانه‌های داخلی، حتی وزیر خارجه

یک کشور با تصویر جعلی و با استفاده از هوش

مصنوعی مورد تمسخر قرار بگیرد، دوگانگی است.

این سؤال مطرح می‌شود که آیا این رفتار جزو

سیاست‌های کلی این حکومت است؟ اگر تلویزیون

خصوصی بود، شاید جای تامل داشت، ولی تلویزیون

است.

ملی مثلاً قرار بوده نشان‌دهنده نظر حاکمیت باشد.

حالا رسانه‌ی به‌اصطلاح ملی که سالهاست کاری

به ملت ندارد، از موضع بالا و با بی‌احترامی به یک

مقام دولتی خارجی، شوخی کند و به خیال خودش

تحقیرش می‌کند.

اگر ما در ایران آزادی داشتیم که با همه شوخی

کنیم و نقد کنیم، همه چیز می‌توانست آزادانه‌تر

باشد. ولی وقتی شما به رسانه‌های داخلی فشار

می‌آورید که نمی‌توانند انتقاد تندى از هیچ‌کس کنند

و این خودش به نوعی خودسانسوری منجر شده.

اگر مثلاً رسانه‌های عربستان سعودی چنین رفتاری

با وزیر ما داشتند، معلوم بود که واکنش‌های آقایان

بسیار متفاوت می‌شد.مگر نه اینکه همین دوستانی

که امروز در رسانه‌های ما مدیر هستند، سال‌ها پیش

از دیوار سفارت عربستان بالا رفتند؟

سالهاست هدف این آقایان این است که همواره با

دنیا جنگ کنید یا در کشورهای مختلف رابطه نداشته

باشیم. اگر این امنیت برای همه وجود داشته باشد

ما می‌توانیم با هم شوخی کنند، فکر می‌کنم مشکلی

نیست و اگر این حق برای دیگر کشورها هم قائل

باشیم که با ما همین کار را نکنند. در اصل ریشه

مسئله در جایی است که ما همیشه در این ۴۶ سال

گفته‌ایم: «ما حق هستیم و همه دنیا باطل هستند».

یعنی ما اجازه داریم که همه را مسخره کنیم و به هم

فحش بدهیم و مرگ بر بگوییم و پرچم بسوزانیم،

ولی آن‌ها حق ندارند با ما اینگونه رفتار کنیم. مثلاً

ما می‌توانیم بگوییم رژیم مثلاً لیختن اشتاین کثیف

است، ولی اگر لیختن اشتاین بگوید رژیم ایران کثیف

است، ما باید آن‌ها را مجازات کنیم و خوششان مباح

است.

این درست مثل این است که ما مسئولین خود را

آزادانه در نیویورک، واشنگتن، یا کانادا ببینیم، ولی

آن‌طرفی‌ها حق ندارند قدم به کشور ما بگذارند. یعنی

این نوع تفکر که «ما خوبیم و همه دنیا بد هستند»

ریشه‌ی جواز همین تمسخرها است. وقتی که ما

اینطور فکر می‌کنیم، مسئله خود حق‌پنداری مطرح

می‌شود. در واقع، آن‌ها با حفظ شأن خودشان، دارند

کار می‌کنند تا کشورشان را پیش ببرند، در حالی که

ما درگیر مسائل داخلی بیش یا افتاده هستیم.

- پس می‌توانیم بگوییم تلویزیون ما دارد به

سمتی که خودش دوست دارد می‌رود و بر خلاف

سیاست‌های کشور پیش می‌رود؟

این مسئله به نوعی مشابه با وضعیتی است که

تلویزیون ما دارد. این دو حالت دارد، یکی اینکه

این طیف‌هایی که همیشه دوست داشته‌اند ما با

هیچ جای دنیا ارتباط برقرار نکنیم، در حال حاضر

منافع خود را پیگیری می‌کنند و این نظرات خود را

بروز می‌دهند. حالت دیگر هم این است که نظام

به دلایل مختلف تصمیم گرفته که نشان دهد یک

طیف مخالف در داخل کشور وجود دارد. به همین

دلیل می‌بینیم که وقتی کسانی مثل آقای عراقچی